

اصفهان جناب میرزا ناسم داد حضرت پیکار علیہ بہاؤ

ہوا

۱۶۹

ای ثابت بر میاق افضل و موبت پروردگار امیدم کہ ہموارہ موفق بخدمت دربار
آموزگار باشی دمی نیاسائی و نفسی براحت بخش بلکہ مدت حیات در رسیدن نجات بکوشی
و ہر طالبی را کاس ہدایت بنوشانی امہ اللہ المقربہ مریم سلطان را تحت عبدالبہاء برسان
و ہچنین آقا ضیاء و امہ اللہ طوبی و امہ اللہ قدسیہ و امین اللہ را کلا از قبل این مسجون بران

علاقہ تبت اخصا ہمدان

نما و جناب کریمای حسین را تحت مشافانہ بخدمت عبدالبہاء ابلاغ نما حال حکمت

اقتضای حضور نمی نماید ویش از این فرصت نگارش نہ ویکم التیجہ و تہنات

ع ع . . .

اصفهان جناب خان جناب آقا سید محمد جواد جناب میرزا احمد شیخ جناب میرزا عبید اللہ

جناب آقا سید زین العابدین جناب آقا سید عبدالغنی جناب میرزا عبید اللہ اعین جناب میرزا

فرج اللہ جناب میرزا عبد اللہ خان جناب سید ناسم جناب میرزا ضیاء اللہ

جناب میرزا ناسم صدر جناب شیخ سلمان جناب آقا سید ادی

جناب آقا سید مدی علیہم بہاؤ اللہ الابی

ای ایالت‌نیربان عبدالبهاء چندی بود که خاطر این آواره از بلایای وارده بر اولیای حق آزرده بود
 و هر دم بملکوت قدم ناله و زاری می نمود و ره خجسته و بیقراری می نمود که ای پروردگار جمعیت ابرار پر
 گشت و محافل انس از میان بر افتاده شود که فضل جدیدی بتائی و تأیید بدلی بفرمائی تا یاران
 گردند و محفل انس را بسراج ذکر ت روشن نمایند ای خداوند این پرانگده کی سپسند و ای
 هربان این حزب پریشانرا جمع فرما تا آنکه برید جدید رسید و مژده الفت آن انجمن سبب
 خفت خزن شدید شد از رب فرید آرزوی این قلب جریح آنست که یاران محترم هر دم در
 حکمت در محفل قدس اهدم کردند و بذکر جالفدم حیات تازه بایند و سبب شوق و ذوق و نظر
 بگرد بگردند تا بشارت جهان انسانیت را خلعت جدید بخشند و همی کل عالم را ردای بدیع پوشند
 ای یاران این عبدالبهاء همواره از مصائب و بلاهای شدید محزون و غمگین است ولی این مویبت
 نصیب هر محروم نگردد زیرا این بلا براه اهل ذنوب است و این محن و آلام مخصوص کرام است
 هر چه هست بگذرد ولی عاقبت مویبت بهر عاشقان جمال کبریا و مشتاقان روی جمال ابری رو
 لا جانه الله ای ناظم منتسبین یک را بنیر از عبدالبهاء نهایت محبت و صبرانی ابلاغ نما
 و بگویند ای چند تنگی کند غنای کتایش رخ دهد و راحت و آسایش خواهید یافت

خطا کتابت است و در

وعلیکم التحیة والشنا مع مع من

اصفهان جناب حاجی بداند سه دای علیه بآاته الابی

هواته

ای ثابت برپیمان نامه شمارسید مضامین دلیل جلیل بر ثبوت بر امر نورسین بود احمد تدر جان
 موقفی که جولا نگاه بخردان بود نفوسی مبعوث گشته که بعون و عنایت حق در نهایت ثبوت و ایمان
 آن قریه در ایام حضرت مقصود مورد الطاف بود حال نیز امید شدید است که بهمت و روحیات
 یاران با وفا مسموم و منظر الطاف موفور گردد تا توانید بکوشید که سه ده صده گردد و نفوسی در
 نهایت انقطاع و مقدر و توانا و منجذب ملکوت ابی و مروج دین الله مبعوث شوند اما
 مسند اقران جلیله اما میرزا ماشم میرزا فضل الله سلیل سید برکات بسیار مبارکست و هر چه
 در پیش شما از حقوق موجود بمانها صرف این عروسی نمایند حضرت شیخ سلمان ثانی این سلمان
 فارسی بود بلکه در خدمت بیشتر موقی آنچه در حق حامدان او مجری گردد خدمت درگاه احدیت
 و بشاد در این سالها حرب ستمکاران دست تطاول گشوند و آنچه توانستند قصور نمودند و عبدا
 متأثر از این وقایع جاگداز ولی هر چه واقع در سبیل دلبر آفاق بوده لهذا باید شمار در سبیل تسلیم
 و رضا سلوک نمایند در این سالهای جدال و قتال جمیع اهل عالم در اشد وبال علی انحصول برآ

خط کاتب مصداق مبارک

که مورد

که مورد جمع آفات شدند ولی مشقات آنان در بسیل نفس و هوای و آثار خات اجبار و عبودیت
در گاه کبریا، آن رزایا محسوب بشون دنیا و این محن و آلام معدود از جانفشانى در راه حضرت
بپا، آند بین تفاوت رواد کجا است تا کجا و یجمع اجا فرداً فرداً از قبل من نهایت شایسته
ابلاغ دارید و علیک البهاء الابی ۲۴ صفر ۳۳۹ عبدالبهاء عباس قیامیه

اصفهان بواسطه جناب میرزا ماشم فریدن اجبای الهی علیم بپا، آند الاسبی
جناب میرزا احمد خان جناب لهراسب جناب حسینخان جناب شیخ حسین جناب
محمد علی جناب درویش علی جناب آقا رضا جناب محراب بیک جناب آقا باقر جناب
ملاحین جناب محمد رضا جناب ملا محمد علی جناب میرزا محمود جسد جناب میرزا علی کاتب
جناب علی اکبر خان علیم بپا، آند الاسبی

هو آند

ای یاران الهی شکر کنید خدا را که مورد نظر غایت شدید و مظهر الطاف حضرت احدیت
از پر تو دی روشن گشتید و بر شحات سبحان غایت پر طراوت و لطافت اندر این گلشن
فیض عظیم را ملاحظه نمایند که مانند نسیم بهشت برین این کشت زار را سبز و خرم نمود و هر
آن نفس را از ایشا جنت فرمود هر چند این موهبت هنوز چنانکه باید و شاید در معرض شهود

جلوه گر گشته و قدرش معلوم نیست اما عقرب فرار و نشیب عالم از این نور مبین
 بهره و نصیب گیرند انوقت معلوم و مشهود شود که سر وجود چه سوختی در عرضه شود ظاهر فرمود
 و هر یک از یاران مانند مهتابان در اقیانوس غزت جاودان رخشنده و درخنده و ظاهر و عیان گشته
 قسم بان روی روشن و جبین ساطع بنور مبین تا جهانی بر سر نهاده آید که گوهر و لئالی آن عصار
 و قرونزار روشن و منور نماید شکر گنبد خدارا و علیکم التحية و التهنات ع ع
 اصفهان داماد پیک رحمانی هو الله انا محمد ماشم علیه بقاء الله الالبه
 هو الله

ای بنده الهی از کثرت مشاغل ابداً فرصت ندارم چند روز پیش نامه خطاباً بجزیم نیک
 رحمانی ارسال شد در خصوص بقاء مرقد آن قاصد امین سوال نموده بودید چون شیراز برسید
 بادوستان محترم الهی مشورت نماید هر نوع که اجای الهی مصلحت بداند بقاء نماید و مصروف
 بنار این عجب ارسال میدارد ع ع ع
 ع ع ع

خطبات حضرت رضا و مریدان
 این یک خطبه است که در کربلا

از قرار مکتوب سابقاً از شیراز مرقد ظاهر آن قاصد الهی را تعمیر نموده اند ع ع ع

بواسطه جناب آقا محمد ماشم مهر جناب سلمان جناب مشدی حیدر جناب آقا سید مرتضی

جناب آقا محمد جواد جناب آقا محمد رحیم جناب آقا عبدالوهاب جناب آقا سید عبدالغنی جناب آقا محمد مهدی

جناب

جناب آقا سید حسن جناب میرزا عبد الجواد جناب میرزا آقا جناب عبد الحکیم علیهم بآء الله

۱۷۴

هو الله

خلافت نبی و پیغمبر است

ای یاران عبد البها حمد خدا که از کاس غایت سر مست شدید و در بزم الست مخرمان مکن
گشتید از جام غایت نشئه یاقید و از صبای موهبت حیات آرزو جنبید ثابت عهدید
و راسخ میثاق و مشاق مشابده انوار تیر آفاق هر چند سر حلقه عشاق پرا حتر اقیه و مبتلا
باز فراق ولی احمد تده بعد از صعود از این عالم فانی وصال دائمی مقدر و خلود در جنت کفا
ابدی محموم و مقرر از حوادث اینجهان ظلمانی مخزون نگردید و از نصائب این حیات فانی دلخون
نشوید بالطف رحمانیه سرور گردید و بموهبت ربانیه خوشنود شوید احمد تده در ^{ظلمت} ظلمت
و در پناه رب جلیل اینست رحمت عظمی اینست موهبت کبری و علیکم التحیه و التهنیه

ع ع ع بین بینه

اصفهان جناب آقا میرزا ماشوم داماد آقا شیخ سلمان علیه بآء الله

۱۷۵

هو الله

خلافت نبی و پیغمبر است

ای بنده ببا مکتوب و اصل گشت و مضمون معلوم گردید بایران الیه را تحیت عبد البها برسان
که نهایت بجزان بگریبان مشغولست چند ریت که از ارض صاد الهله بشارت و غنله

مناجات بجمع مشتاق ز سید هر چند ستمکاران نه چنان جهانی رو دادا شتند که تحمل سبوتان
 نمود بالطبع آن جمع آزرده اند و دلگسته و مظلومند و بال و پر بسته با وجود این امید
 چنین است که این سختی سبب سستی نگردد و این تطاول و عدوان سبب سکون و آسایش
 شود زیرا همیشه عادت چنین بود و قرار بر این که اب سبب شعله آتش عشق گردد و جفا
 علت از یاد و فاشود حال نیز چنین است این مظلوم در هر می دلف هزار سهم مسموم با وجود
 این سینه آئینه گردد و الوار محبت الله پشتر حلوه نماید از عسرت خاندان پیک امین خزن حاصل
 شد و در آنچه آید و شاید قصور نخواهد گشت و علیک التجه و التثناء ع ع ع
 اصفهان جناب میرزا ماشوم داماد پیک روحانی علیه بآء الله الاهی

هو الله

ای صر حضرت سلمان نامه شمارید هیچ میدانی که عبدالبهاء بچه در جبه غرق در باری مشاغل و موا
 و شواغل است با وجود این از کثرت محبت مجبور بر جواب و اجرای خواهش شماست
 حضرت محترم مقرب درگاه اسم اعظم جناب وزیر فی الحقیقه آیت دی و موقی بخندمت
 و عبودیت جمال ای و شریک و سهیم عبدالبهاست من از او بسیار راضیم الحمد لله صفا
 بغور آن آمده آن برودت و نمودت زائل و شعله و حرارت حاصل شده از غیامات حضرت
 نفی الاهی

کتابخانه حضرت آقا

خنی الاطاف امید چنانست که روز بروز این شعله روشن تر گردد و این حرارت محبت نه
 شدید تر شود به امین الله و قدسیه خانم و طولی خانم و منیره خانم از قبل عبدالبهاء نیت
 لربانی ابلاغ دارید و گوئید حال بر نظام و قواعد موجوده مرتبه در مدارس تحصیل نمایند انشاء الله
 هر وقت فرصتی شد در اینخصوص چیزی مرقوم میگردد حال ابد اجملت نیست فی الحقیقه در
 تأسیس مدرسه بیعت اطفال ببالای فرض و واجب است اگر باریان الهی در اینخصوص تهنی
 می نمودند سبب وصول برضای حضرت رحمانی است اطفال چون در مدارس دیگر تحصیل

علم و هنر پر دارند هم مشرب و هم خموی بی ادبانه گردند و علیک البهاء الایبی ع ع تبارک

اصفهان جناب مرتضی قلی جناب شیخ حسین جناب جلال جناب ابودان

جناب میرزا خلیل جناب میرزا مهدی جناب استغیبار جناب حاجی میرزا جناب اسدالله

جناب حاجی احمد جناب حاج محمد الغفار جناب الیاهو جناب فرج الله جناب عبدالحق

جناب عذرا جناب موسی جناب هرمز جناب آقا محمد جناب عبد الرسول خان جناب تهاد علی

جناب سید حسین جناب میرزا ماشوم سهرپر یک رحمانی علیهم بسا الله الالبی

هو الله

ای بزرگان الهی ممد خدا را نورده از افاق ارض صادر نهایت تمنا پیدا رگشته در قلوب شوق

خلاصه کتاب معصومین

و شری جدید افتاده و در نفوس بهتر از تازه‌لی آشکار گشته مدتی بود در نهایت سکون بود
 حال بجزکت منتی شد بایران آغاز آوازی نمودند و در این گلشن تقدیس شهنازی زدند
 انسان اگر بجای مفقود گردد بهتر از آنست که محمود شود مرده بسته بهتر از افسرده و پشیمانه است
 زیرا مرده معذور است حول و قوتی ندارد ولی افسردگی و پشیمانی از سببات سابقه و
 لایحه حاصل گردد حال حد خدا را که این تیرگی مبدل بر و شنائی شد و این افسردگی
 با فروختگی منتی گشت ایام جمیع امام در نهایت ظلام میگردد در ظلمات ثلاث که در قرآن
 مذکور است مستغرقند لا یعلمون المبدء ولا المنتی ولا یطالعون بحقایق الاشیاء
 و العاقبة یرجعون الی الحفرة الظلماء و الدركات اسفل قد خسر و الاحیوة الدنیا
 و صرخوا من انبثته الاخری فیا اسفالم من هذه العقلة العمیاء اسئل الله بان یدلیم
 الی سبیل الرشاد و ینور ابصارهم بالنور الساطع من الاقی الاعلی باری ای یاران
 این اوان وقت است و سعی و اجتهاد تا بجهد بلع آن کلیم را با سزا آرند و بفتح
 قدس زنده نمایند ترویج وحدت عالم انسانی کنند و تأسیس یگانگی بشری نمایند
 یار و انجیز بنوازند و کار هر دردمند سازند و در این گلشن جنت ابسی با بدیع اسحان نغمه آوا
 بنوازند که گوشها محرم را از گردد و جمیع بشر همدم و هم آواز شود تا ابدات غلبه پایا میرسد

و توفیقات صمدانیه متابعت اگر نفسی کلال آرد و یا آرام جوید خود را محروم نماید

و علیکم السلام الاهی ع ع ع

اصفهان جناب میرزا ماشوم صهر حضرت پیک رحمانی جناب شیخ سلمان هندبانی

علیه با، الله الاهی

۱۷۸

هو الله

ای بنده آستان الهی نامه شمار سید و مالان و تاراج معلوم گردید این سینه
گذشته ایام انقلاب بود در ایام انقلاب سراب آب شمرده میشد لهذا سخن و پیک
از لوازم ایام ما مانع است هر چه بود گذشت بمبتلین حضرت شیخ نهایت مهربانی
از قبل من ابلاغ دارید شما باید تاسیس کتبی در اصفهان یا در دامت بفرمایید و تبریت
اطفال مشغول گردید این امر هم را از هم امور شمرید و چون راهها باز شود و مجامع متابع
گردند سارش در حق بازماندگان حضرت شیخ خواهد شد ۹ جمادی الثانی ۱۳۳۷ عجله الباء

بواسطه جناب حسنعلی خان

جناب رضاقلی میرزای شیرازی علیه با، الله الاهی

سوان ای سده و پنجاه و بی فافرح بکر مولاک بناینگ و بداک و اللهک

جناب میرزا ماشوم

عجله الباء

وَجَانِكُمْ وَاسْمَعُكُمْ وَاجْعَلْكُمْ وَأَنْعَمْ عَلَيْكُمْ وَأَعْطِكُمْ وَأَكْرِمْكُمْ شَوْكَكُمْ أَنْ رَبَّكُمْ يَهْدِيكُمْ مِنْ
 يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ طُولِي لَكَ مِنْ هَذِهِ الْبَدَايَةِ الْكُبْرَى بَشْرِي لَكَ مِنْ هَذِهِ الْمَوَاسِمِ الْعُظْمَى
 وَطَوَاعُكُمْ مِنْ هَذِهِ الْبَدَايَةِ الَّتِي يَتَقَبَّلُهَا أُولَى النَّبِيِّ وَفِرْعَانَكَ مِنْ هَذِهِ الْعَطِيَّةِ الَّتِي هِيَ كَثْرَةُ لِقَائِي
 وَسُرُورَاتِكُمْ مِنْ هَذَا الْإِشْرَاقِ الَّذِي أَنْزَلَ الْآفَاقَ فَاشْكُرْ رَبَّ الْعَظِيمِ عَلَى هَذَا الْفَضْلِ الْجَمِيلِ
 وَالْفُورِ الْمُبِينِ وَالْفَيْضِ الْقَدِيمِ أَنْ فَضَّلَهُ عَلَيْكَ كَالْفَيْضِ الْمَاطِلِ الْمُدْرَارِ مِنْ سَحَابِ رَحْمَتِهِ
 رَبُّكَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَعَلَيْكَ الْبَهَاءُ وَالْأَبْيَاحُ ع ع مَسَامِعُكُمْ

۱۷۹
 ظلمات و نور و خیر و شر

شمس

بناب میرزا علی خادم حرم

هو الابی

ای خادم درگاه حق این خادمی تو از شنشاهی عالم برتر است و این بندگان تو از سلطنت
 جهان بهتر زیرا این شهبازی جهان سراب بقیع است بلکه ستم نقیع و لکن خادمی تو سلطنت
 باقیه است و حکومت سماوات عالیه فتم ما قال عبید و لکن الملوك عبید هم
 و عبید هم اضحی لکون خادما باری این جا به عبودیت ردا، عزت قدیمه است و این جانک
 بندگان تاج و افرشنشاهی جهان باقی اینست که اکلیل حلیل این عبودیت در درگاه جمال
 مقام عبودیت است و اعظم مباحث قیام بر بندگان این عبیه علیاست اللهم وفقنی علی

ظن مبارک

الکبری ان توید عبدک هذا علی التمسک بعودک الوثقی و موہبتک استجداء و منحتک العلیاء
 ثم قدر له کل خیر قدرته لخیرة خلقتک و هیبة لبررة عبادک و اعطیتہ لشفرة کرام الکلماتک
 و اجعلہ تابنا مستقیما علی امرک و حکمتک انت الکریم ذو العطاء و الرحیم بالارقاء، تفعل
 ماشاء و تحکم ما ترید و انت انت العفور العظیم ع ع س س س

هو الابی

۱۸۳

ای مائه حدائق معانی تجلی الله علیک باسراق انوار جمال بقاء الابی اگر چه بظاہر در
 فرقت و ابهرالی و مبتلای حرفت و حرمان لکن فی الحقیقه در محفل یاران الی و دوستان
 معنوی یادت ذکر و فکر انجمن است و روی دلجویی بجان حقیقتی حاضر چون شمع روشن
 پس ای یاران بجان سستبشر باشید و بقلب خوش و امیدوار که فضل ملکوت الابی عظیم است
 عظیم و در ابوابین اجاء الله از فیوضات رب قدسیت و شدید و الباء علیک یا من شغل
 بار محبة الله ع ع س س س

هو الله

۱۸۴

ای بنده آستان الی از فضل حضرت چون درد آستان پاسبان و هر دو مقبول در گاه آستان
 ولی در یکی پاسبان حقیقتی و دیگری مجازی از حق میطلبیم که مجازت را نیز حقیقت نماید و پس ما
 ع ع ع

غلامبارک

علی فضل ربک بعزیز ار خدا بخواد که توفیق بر عهد و میثاق عنایت فرماید
ع ع ع
مخالفه

ش جناب میرزا علی خادم شاه علیه بآاته الاهی ملاحظه نمایند

هو اته

۱۸۵

ای خادم قبر مستور آن جدش مقدس و رس مبارک را محافظه نما و ملاحظه دار چه که
صد هزار چراغ آن مصباح را طائف و صد هزار شاه بنده آن درگاه مرتفع اگر چنانچه
حال نور آن مصباح از انظار مستور است و از اثر ارجحوب اما غمخیز آن نور جهان
افروز شود و آن شعاع حرارتش عالم سوز قدر این فضل وجود را بدان و بشکرانه قیام نما
و البهائیک و علی کل ثابت علی میثاق اته ع ع ع مستجاب

هو اته

شیراز جناب میرزا شکری علیه بآاته الاهی

۱۸۶

هو الاهی

ان بنده شکور رب غفور عنایاتش غیر قنای و الطافش بیابان عواطفش محیط است و
منبسط بسید نورش سالست و پیش لامع از جمله الطافش ایانست ایانست

خط مبارک

خط مبارک

عرفانت پس چگونه بگرا نه این عنایت بی نهایت قیام تو ان نمود مگر بقدر وسع بشر
 و مقدار طاقت زبان و بیان چون در و کهر پس بقدر مقدور بگرا نه پرداز
 ع غ
 مستانه

هواته

شیراز جناب میرزا علی علیه بآ آتہ الایہ

هوالا ہی

ای بنده الہی علو و سمو جهانی امر تصور و اعتبار است بلکه نسبی و اضافی حلو حقیقی در
 عالم جانست و سمو واقعی در جهان وجدان پس توجه بملکوت ابی کن تا بلندی حقیقی
 نمائی و ارتفاع دروہ اعلیٰ مشاهده کنی آن رکت بالافتی الای علی و البآء ع یک ع غ
 مستانه

هوالا ہی

جناب آقا میرزا علی خادم علیه بآ آتہ الایہ ملاحظہ نمایند

هوالا بخی

بایمن اشتعل بالنار الموقدة فی بریة آسینا ہر چند در کمال استعجال مر قوم میشود چه کہ
 بیچوہ مجال نیست ولی انجذابات قلبیہ بحبت احبآء رحمن نچنان در شدت فور است
 کہ امواج بحر اعظم مشغولیات از ذکر احبآء رحمن مانع و خائل گردد رب اید عبدک ہذا
 علی الایہ

علی الایہ

على الاستئصال الى باب احديتك والفراسة الى سماء الوانك والاستفال بذكرك
 والاشجذاب بنفحاتك والتمسك بعروتك والقبول على عهدك وميثاقك والاستفاضة
 على صراطك والاستفاضة من النوارك والتبليغ لامرك والنشر لطيب ذكرك
 وثناك ائت الكريم الرحيم الوهاب وعبادك رؤوف رحمن ع خ مقابلة
 ش جناب ميرزا علي خادم حرم رباني عليه بقاء الله الابهى ملاحظه نمايند

۱۸۹

والا سبب

ايچادم حرم مطلع انوار اسم اعظم در پيش چيزي مرقوم شد و حال نيز اين گناشته ميشود شکر
 کن حضرت احديت را که باين موهبت مفتخر گشته و باين غيايت مشتر خادم درگاهي که
 مزار نفوس مقدسه است و مطاف ارواح مجرده نجات القطاع از ترابش استقام
 ميگردد و نام روح بخش حيات از غبارش استنشاق ميشود مطلع انوار حب البيت و شوق
 الطاف غير قماهي طلبي نفس زار ذلك المقام المقدس طوبى لثام نظر من لتفحات المعنوق
 المنتشرة من ذلك الموقع الاقدس وبشارة نفس قد تدن حوله بقلب خاضع و بكل
 خاشع و قلب محترق و حياء طيب و دموع منبهم و کبد مضطرم على تلك المظلومة اليقظة
 التي احترقت بما رجته ربها و اذابت من شدة حرقة النراق عبد البهاء

ع
 مقابلة

آنچه فتا آمال مقربین و غایت مقصود ملائکه علیین است جناب شیخ ابوالکمال مجری نمودار
 قبل شاد در روضه مبارکه بالنسبیه شمعدار روشن کرد و همچنین ماکل در یوم مخصوص بالنسبیه از جناب
 رفیع رفیع و شاد و جمیع دوستان و یاران ارض شین در روضه منوره زیارت مخصوص نمودیم
 فاستبشروا بهذه البشارة العظمی وهذه المنحة الجليلة وهذه العطية النوراء والباء علیک
 وعلی اجاء الله عبد الباء ع من الله

هو الا بهی

جناب میرزا محمد علی به باه الله الابهی ملاحظه نماید

هو الا بهی

۱۹۰

الهی و ربی و ربانی و غایه امالی اسئلك بفضلک و رحمتک التي خصصت بها خیرة خلقک
 و نزلتها علی اعزة عبادک و بویجتک الکبری التي استضاء بها و جوه اجتاک و بنورک القدیم
 و جمالك الذي تجل بعام نخنی عن اعباد الناظرین و یلوح و یغنی فی الملکوت الاعلی رفیقته
 الابهی جبروت الغیب لا هوته الاهی بان تنزل علی عبدک هذا کل رحمتک و جودک
 و احسانک و تؤیدہ علی الاستقامه علی امرک و الثبوت علی کلماتک و تؤیته حسنة الدنيا
 و الاخره و تبارک له فی کل شئونه و تحمله محفوظا مصونا فی صون مایاتک و مشمولاً بمناجات

خط مبارک

میں رحمانیک اکت انت الفضل اسجد الکریم الرحیم رب ثبت قدمی واشد
ازری علی خدمتہ امرک و اجعلنی من عبادک الراستخین عبد البہاء ع
و بلغ تحیۃ و تکبیری الی حضرت رفیع الر فیع و اہل ربی ان یوقفہ علی اعلا کلمتہ بین
الہیان

عبد البہاء ع منادئہ

ہو اللہ

شیراز جناب کربلائی حاجی علیہ بہاء اللہ الاسبی

اللہ ابھی

۱۹۱

جناب

ای نادى سبیل ہدایت پیک غایت است و اعظم مہویت و ثمرہ شجرہ رحمت
چہ بسیار نفوس کہ در طلب ہدایت گریستند ولی چون خلوص نبود محروم ماندند و بہانفوس
کہ بجز دستماع در شاہراہ ہدی دویزند و از کثر عطانوشیدند و از شہد صفا چشیدند چون تواران

نفوسى شکر خدائى کن غ غ صابجہ

ہو اللہ

۱۹۲

جناب

بواسطہ آقا میرزا محمد خادم حرم مبارک جناب خواجہ محمد اسمعیل علیہ بہاء اللہ
جو ات انستہ ن بوزہ ہدی و دست شکر از ہر گاہ خداوند بجانہ بندنا ویش

ناکه بشیرہ آفرینش فائز گشته و دیدہ بینش گشودی و روش ایران الہی پذیرفتی و در ظل
 عنایت پرورش یافتی حال سرا و ارا نیست کہ دمی نیاسائی و نفسی راحت بخوئی شب
 مشر و روز مانند شمع بسوزی و نور هدایت بجمع مبدول داری بجان و دل در فکر نشر نفعات آتہ
 باش ع ع ع
 صدقہ

آہ الا ہی

جناب عبد الکریم خان علیہ بنا آتہ الا ہی ملاحظہ نمایند

ہو اتہ

۱۹۳

ای بندہ در گاہ الہی چشم گشانا مشاهده آیات کبری نمائی و گوش گشانا استماع نعمات
 و رقاہ کنی فخر وجود بسیار روشن و غیر است و کوکب عزت امر اتہ در شدت سطوع
 چون نیر فلک اشیر بحر الطافت کہ ہوا تجت و نسائم یزدانت کہ متحرک از متب احسنت
 این ایام اغنیمت شمار و این فرصت را از دست نہ عنقریب طیور وحدت باشیان بہ

احدیت پرواز نماید و الباء علیک ع ع

در فضل ملکوت الہی امیدواریم کہ آنجناب چون شمع روشن در انجمن عالم بسوزد ساطع و لامع
 گردد و نفعات قدس مجلس انس بآید فی الحقیقہ امتساب غصہ جهانی و غصہ روحانی داشته
 لہذا

لذا باید بعون و عنایت جمالقدم چنان بشور و جوش و ولوله و شوق آلی که هر نفسی را ملالت
 فرمائی روح بخشی و جان عطانمائی و بروح و ریحان آری و البهائیک مع ع
 مت برده

شیراز جناب آقا میرزا ضیاء الدین خادم مشرق الادکار علیه بقاء الله الاهی
 ۱۹۴

هر چه میسر آید

ای ثابت بر پیمان نامه ای که در نهایت عجز و انکسار مرقوم نموده بودی و اصل این دیار شد
 معانی صرف تبش و تضرع بود و مقصد و آمال موفقیت بر خدمت امر ذوالجلال و این
 اعظم موهبت عالم انسان احمدته نور هدایت کبری را اباعن جد میراث داری و بی هیچ
 قویم و صراط مستقیم ساکنی از کاس تسنیم سرستی و از ناه معین سیراب و بنده
 مشرق الادکار مشغولی و از نادون حق بیزار جناب آقا میرزا آقا عثم کامکار را با لطف رب
 مختار امیدوار کن و همچنین کینه غریز الهی و الهه محترمه خدیجه را بنفحات قدس بیدار کن و آ
 میرزا ابهائ الدین را با لطف دلبراز نین مرده ده و امید از رب کریم چنانست که جد بزرگوار
 میرزا محمد در جهان ابد سرمد غرق بحر اللطاف رب واحد احد گردد و همچنین پدر مرید پرور میرزا
 در انوار ملکوت نمود و مغنرت مستغرق شود باری تو و برابر در بران باید هر دو چنان بخت

قیام نمایند که روح مقدس آن دو جان پاک در عالم تابناک سرور و فرخاک شود و یگانگی

الباء الا سبب ع ع سبب

ش جناب میرزا ابو قاس ساعت از علیه بباء الله الا ملاحظه نمایند

او الاهی

۱۹۵

ان شغل بنا بر محبت الله ساعت که جسم منجمد و فلز مسطرقت بسبب نظم و ترتیبی ما هر آنه حرکت نظامی
دارد با وجود آنکه جسم ثقیل است اوقات اتصالات کوکب جلیل را معین نماید و بشیر و رب
طلوع نیز فلک اثر گردد و چون حرکتی خفیف و ضعیف در جسم ثقیلی حاصل شود چنین نیز جلیل
صحو ل یابد پس اگر حرکت شوقی روحانی در جسم انسانی که بشا به روح این عالم عنصیر است
ظاهر شود چه آثار باهرو و کمالات لامعه تحقیق یابد پس از خدا آنچه خواه که بر تری الهی و قوه لی ^{جانی} _{ند}
سبب حرکت و جبهه ایماکل انسانی کردی و در صد حرکات کوکب ^ع ملا ^ع و نجوم ملکوت ابی سوس

و چون روح پر فتوح علت حرکت و تراز

جسم عالم امکان باشی و الباء علیک

و علی کل من ثبت علی عهد الله

سبب

و میا قه عباغ

ہو الا بھی

۱۹۶

ایمانت جان سوختہ جمال رحمانی ایڈک ربک علی ابتغاء مرضاتہ و اعلاء ذکرہ دریں حق
 جان و مال و عزت و منال اگر از دست رود اعظم توفیقات الہیہ بہت و اکبر ناید بہت
 ربانیہ چہ کہ این مقام رتبہ فدا، کلی است کہ اعظم مال اولیا، الہیبت اینست کہ حضرت
 اعلیٰ روح العالمین فدایہ در احسن القصص قیوم اسماء، خطاباً لجمال اللہ سبحانہ میفرماید پسندنا
 الاکبر قد فدیٰ بجہتی لک و ماتمیت الالاقول فی سبیلک و السب فی محبتک و انت الیکافی
 با حق و الروح و البہاء علیک ع ع سادہ
 ش جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز حلیہ بہاء اللہ الہی ملاحظہ نمایند

۱۹۷

ہو الا بھی

ای بندہ حق ہر چند بظاہر تو در شین مار سین یعنی ولایت سورہ آمانی اختیار غلط
 یک شجریم و متنعم یک ثمر در محفل ایستیم و از جام عمد سر مست در جنت الہی دایم
 و در کشتن الطاف وارد پس حمد کنیم خدارا بر این ہمہ و البہاء علیک ع ع
 سادہ
 ہو اللہ

جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز حلیہ بہاء اللہ الہی

ظہار

الہی انت تعلم حالی و نری تشت شلی و تفرق جمعی و تمف نسبی فی ہجراتی من فریک

و وصاک و بعدی عن ملکوتک و حسراتی و سکرانی فی بیداء الاحرامان من قرب جوارک

ایرت ابدنی علی ذکرک و ثناک و نطقنی بجاہک و نعتک بین خلقک و اخلص و خبی لو

الکریم یارتی العظیم انک انت الرحمن الرحیم ایرت ہذا بعد توجه بملکوتک الای

و نطق بالثناء و اعرض عن الموی و سرع الی شاطی بحر الہدی و شرب کأس الوفاء

اور کہ بفضلک و جودک یارتی الاصل . ع ع

از تہ تکلیس لر مر الزمیس سوال نموده بودید این عبارت از جملہ عبارات شیخ مرخواست

کہ در جواب سوال از قائم مرقوم فرمودہ اند جمیع فقرات در آن ورقہ جواتیہ جناب شیخ منفضل

شرح و تفصیل و تفسیر شدہ است و موجود است و مقصود اینست کہ رؤسای شیخیہ

کل اقرار نمایند کہ این بیانات شیخ را نمیفہمند انوقت آن شرح و تفسیر نشر شود یا آنکہ

شرعی رؤسای شیخیہ مرقوم کنند در ہر دو صورت جہان ثابت گردد حال ثبایم رؤسا

مثل پیر حاجی محمد کریمخان و غیرہ متنقل و متابع مراجعت نمایند کہ شرحی در این بیانات

جناب شیخ مرقوم نمایند و یا آنکہ اعتراف بر عدم فہم کنند چہ کہ مشہور شد کہ از حاجی محمد کریمخان

سوال

سوال نموده بودند گفته بود کہ من نہیںم و ہر کس بقدم من خاضع می شوم ولی لسانا گفته بود
بید خطا بنویسند ع ع مستجابہ

ہو اتہ

جناب زائر اقا میرزا ابوالقاسم علیہ بہاء اتہ الالبی

۱۹۹

ہو الالبی

ای زائر مطاف ملا اعلیٰ شکر کن جمال قدیم رب کریم را کہ مسافت بعیدہ را
طی نمودی تا بطن محدود و مقام محمود آستان حضرت معبود وارد شدی و بصر را بشا
آیات کبری در آن عتبہ مقدسہ روشن فرمودی پس حال از معانی از نفحات قدس این
مقدسہ بردار و پیلا داتہ توجہ نما و ہر کیرا از پیام الہی کہ در صحائف عمد و میثاق ربانی
مندرج و مندرج است بہرہ مند کن یعنی کل را ثبوت بر میثاق دلالت فرما تا جیوش تابد
از ملکوت ابی بجوش آید ع ع مستجابہ

ہو اتہ جناب اقا میرزا ابوالقاسم علیہ بہاء اتہ الالبی

۲۰

ہو الالبی

یہی الہی انی جہد آمنت بک، بآیات و اقبلت ال وجہ جہاک ال اعلیٰ و اخلصت و

للكونك الابهي وتثبت بالعمرة الوثقى وتمكت بذيل رداء الكبرياء واستغنت على
 شريعك النوراء وثبت على ميثاقك العظيم الذي اخذته في ظل الشجرة الاشياء ارب
 احسنى عين رحمتك الواقية للاخياء وانظر الى بركات رحمتك التي احاطت الاشياء
 واحفظنى من كل البلاء وقى التزلزل والاضطراب يارب الارباب انك انت الكريم
تسديد

الرحيم العزيز الوهاب ع ع

هو الابهى

شیراز جناب میرزا ابوالقاسم . عليه بهاء الله الابهى

هو الابهى

۲۰۱

ای جناب ابوالقاسم در ارض مقدس بودی و مشاغل عظیمه و مبدم مرادید با وجود این هنوز

بترتل نرسیده استدهای مکاتبه نموده اید ولی چه چاره باید بقدر امکان سبب سرور وجود

قلب یاران و حکشان را مجری داشت و این قوت و قدرت و سلطوت و سلطنت را

بفیوضات محبت جمال قدم باقیه اند

نعم الاقدار هذا الاقدار تسديد

ع ع

هو الله جناب

جناب حسین سبیل جناب آقا میرزا ابوالقاسم علیها بقاء الله الابی

هو الابی

۲۰۳

ای حسین جانها فدای اسم تو این نام محترم در کور فرقان علم بر مظلوم کترم بود و
این کور رکن اول از اسم عظم ملاحظه کن که چقدر مبارک است هر چند بظاہر تغییر حسن
ولی در حقیقت شمس اتق کبریا، و عظمت جمیع اسماء طائف حول این اسم و کمال صفات مشتق
از لفظ این اسم تفکر لتعرف ابرار الله المقدر المبین القیوم ع ع
تبارک

هوائه

امته الله ضلع جناب آقا میرزا ابوالقاسم علیها بقاء الله الابی

۲۰۳

هو الابی

ای امته الله ورقه موقنه با جناب آقا میرزا ابوالقاسم در کمال روح و ریحان وارد بقعه
نوراء، ارض میضاه گشت و چون خاک در نهایت خضوع و خشوع در آستان مقدس
حول روننه مبارکه نشست و بغایت تضرع و تبسّل طلب الطاف بجهت اجاب
و استعاضی مغفرت بجهت تصاعیدن نمود و در جمیع احوال بیاد مستغلقان بود و بالتیاب نیز

زیارت نمود از درگاه احدیت بختای عمر و نیاز استغای قبول زیارت اورا بنمایم
ولایه و زاری کنسیم انہ یقبل الشفاعة ویسئب علی عباده المخلصین و الحمد لله رب
العالمین ع ع تسبیحہ

هو الله

ورقہ شتره صبیحہ جناب اقا میرزا ابوالقاسم امه الله لقایہ علیہا بما الله الای سبک
هو الای ہی

۳۰۴ ای ورقہ شتره شکر کن حضرت رب عزت را که چنین پداری تو غایت فرموده که از مشن
الهی کریمانی پاک دارد و همی بند تراز که اکب افلاک با وجود این در خضوع و خشوع چون مرکز خاک
این نیست الا فیض الطاف مخصوصه رب قدیم او لا سبب وجود تو بود ثانیاً علت هدایت بنور
شود و توجه بتمام محمود و در تحول مرکز دائره غیر قنایه بیاد تو مشغول بود دیگر بهتر از آن
پر تصور توان نمود لا والله و الباء علیک ع ع ع

هو الله

۳۰۵ جناب محمدرضا ابن مرحوم اختر علیہ السلام با الله الای سبک
الله ای یامن تعلق با دراب ردا، اکبر یا، سبح و قدس و هل با اسم ربک انی

التدبیر

القدیم و قل سبحان من انشا النشأة العظمی و قدر الآخرة والاو سبحان من اقام لعیبته
اکبری سبحان من خلق فسوی سبحان من ما انقراط و رفع السموات العلی سبحان
من وضع المیزان و حشر من فی الوجود فی انشاء الاخری و ادخل الذین آمنوا فی رحمته
و انما فلین فی بحیم و عذاب و بئس عقبی الذی کذب و افتری ع ع ع
تسابتیر

هو الله

ش جناب آقا محمد رضا علیه بآء الله ال بی

هو الابی

۲۰۶

خطباتک

ای بده راضی بقضا حقیقت رضا اعظم موبت جمال ابدیت ولی تحقیق این صفت که
اعظم منقبت عالم انست مشکل است چه که اب یار صعب و خشک حین امتحان معلوم و واضح
گردد اسل الله ان یوفک علی هذا الفضل العظیم و اعدته رب العالمین و الباء بیک ع ع ع
تسابتیر

هو الابی

ش جناب آقا محمود ابن خمر علیه بآء الله ال بی

هو الابی

۲۰۷

خطباتک

ان نمود محمود بباش محمود باش تلج در یچال و برف در قتل خیال فراوان و به نام باره

و وحوش شارد در کوه و صحرا و خشکی و دریا بجد و حساب ولی سمن در آتش خوار و
 قنقن آتش خواه نادر و کیاب بیات سمن در پر سوز و ساز شو و قنقن آتش که
 راز آتشی بجان محمودان زن و صلائی بر محتجیان اگر چه محمودان و منجمدان در بوم
 میثاق چنان آسوده و یخ کرده و مرده اند که جز نیران شعله کی در آنا تاثیر نماید
 و الباء علیک ع ع تعالی

شیراز جناب آقا میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیه بآ آتیه الی

الواته

۲۰۸

ای ثابت بر بیان نامه رسید و مضامین معلوم گردید حمد کن خدا را که در سبیل اندلبر آتیه
 منزوی و خانه نشین گردیدی و اوقات عزیز را بجزیره کلمات و تزیین آیات محصور فرموده ای اینها
 لغت عظمی شایان هزار شکرانه است نامه های سابق از جهت عدم اذیت راه رسید
 و الآله جوابی مختصر اقلای بر یکی از آنان مرقوم میگردد حال آنکه تهنه این نامه رسید و از
 سر معانی صلوات روحی حاصل شد کام جان شبرین گشت و مذاق وجدان شکرین شد
 الی الی ان عبدک هذا قد تبرع کاسن البلاء فی سبیلک و ذاق ترا الرزایا فی محبتک قد استند
 سهام البقاء و صبر علی حبر القضاء و اضطرر بنا رب محبتک بین الملا فبسم الله موع من لعیون

خط کاتب هر دو خط در یک

مباہک اللہ رب انہ مترو من اکلن منجذب الی انہی متوجہ الی ملکوت امہاں شانین
 نانی الی محل الوصال رب ایدہ فی جمیع اشئون والاحوال ویترکہ الامال وحشرہ مع
 الابرار والظلمۃ بناک بین الاحرار انک انت العزیز المختار وانک انت الرحمن الرحیم
 وعلیہ بھاء الابی ع ع ع تبیرہ

ہوائے

بواسطہ آقا میرزا مادی

شیراز

و توسط امہ انہ زیور سلطان حرم جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیہا بھائے

ہوائے

۲۰۹

ای امہ انہ محزون باش معنوم کرد روی مخدش و سرنگ از دیدہ پاش آو و این
 کن و فغان و حین منما آرزوہ کرد افسردہ شو پرشردہ پاش زبیرا فرزند لبذت باغوش پدر
 آسمانی شافت و در ملکوت رحمانی رخ بتافت و حضرت رب قیوم اورا بحال نوازش ہوا
 نول جبارا ایستی نہ اصل نجاتست اعمدہ نہ بہ نتیجہ زندگانی در ملکوت رحمانی فائز گشت
 بہ زانقص از حیات بہمانی حیات رہ عالی و زندگی جہوانی در عالم یزدانیت آنو بہتتر

خط کتابت سر خطی است